

اسم از لحاظ شناخت:

به دو دسته کلی معرفه و نکره تقسیم می‌شود.

نکره: به اسمی گویند که برای مخاطب یا شنونده شناخته شده نیست. اسم نکره نشانه خاصی ندارد بنابراین هر اسمی که جزء معارف نباشد نکره است: تلمیذٌ، مصابیح

معرفه: به اسمی گویند که برای مخاطب یا شنونده شناخته شده است. معرفه‌ها در عربی بر ۶ قسم‌اند:

۱- عِلْم = اسم خاص: به هر اسمی که فقط بر یک شیء یا شخص معین دلالت کند
عِلْم یا اسم خاص گوئیم.

در عربی به «اسم اشخاص + اسم مکانها» عِلْم گوئیم. مثل: علی، تهران، مکه

مثال: عین العلم: ربّ () () إله () الله () محمد ()
()

نجم () صبا () نبیّ ()

۲- ذواللّام = اسم دارای ال: هر اسم نکره‌ای که ال بگیرد، معرفه می‌شود.

کتاب (نکره) + ال ← الکتاب: معرفه به ال یا ذواللّام

۳- اسم اشاره: اسمی است که برای اشاره به اشخاص، اشیاء و ... بکار می‌رود و بر دو نوع است:

اشاره به دور، اشاره به نزدیک، اشاره به مکان

الفاظ اسم‌های اشاره به نزدیک:

هذه
هاتان (هاتین)
هولاء
} مونث

هذا
هذان (هذین)
هولاء
} مذکر

الفاظ اسم‌های اشاره به دور:

تلک	} مونث	ذلک	} مذکر
(تانیک) (تینک)		(ذینک)	
اولئک		اولئک	

نکته ۱) در میان اسم‌های اشاره، مثنی‌ها معرب به حروف‌اند و بقیه مبنی هستند.

نکته ۲) اسم اشاره نقش به حساب نمی‌آید بلکه در جمله هر نقشی را می‌تواند بگیرد. جاءت تلک الإمرأة . فاعل

نکته ۳) به اسمی که بعد از اسم اشاره می‌آید «مشارُ الیه» گویند.

«مشارٌ الیه» بودن نقش محسوب نمی‌شود بلکه از لحاظ نقش ترکیبی، به ترتیب زیر نقش می‌گیرد:

ال نداشته باشد «خبر» است: هذا قلمٌ. ذلک کتابی.
خبر خبر

ال داشته باشد و مشتق باشد «صفت» است: هذا المعلمٌ، مجدٌ.
صفت

و جامد باشد «عطف بیان» است: هذا الكتابُ، لی.
عطف بیان

مشارٌ الیه اگر

نکته ۴) اسم اشاره همواره باید با مشارئیه خود از لحاظ «جنسیت و عدد» مطابقت کند:

هذه المدرسة

اولئك الرجال

اسم اشاره مشارئیه (مفرد مؤنث)

اسم اشاره مشارئیه (جمع مذکر)

مفرد مؤنث

جمع مذکر

نکته ۵) مشارئیه اگر جمع مکسر غیر عاقل (غیر انسان) باشد اسم اشاره آن باید

«مفرد مؤنث» بیاید:

هذه (تلک)

الاشجار

اسم اشاره (مفرد مؤنث)

مشارئیه (جمع مکسر غیر عاقل)